

سنجش سطح توسعه پایدار با کاربرد شاخص توسعه انسانی (مطالعه موردی: استان‌های شمال غرب کشور)

رویا آل عمران*^۱، فرزاد رحیم زاده^۲، سیامک شکوهی فرد^۱

۱. گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

۲. گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۹/۰۸

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۶/۱۷)

چکیده

مناطق مرزی در حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها نقشی اساسی ایفا می‌کند. بنا به دلایل متعدد این مناطق در مقایسه با سایر نقاط کشور، سطح توسعه یافتگی پایین‌تری داشته و این امر توجه و برنامه‌ریزی بیشتری را برای توسعه این استان‌ها می‌طلبد. اولین گام در بهبود وضعیت استان‌های مرزی، تعیین سطح توسعه‌یافتگی این استان‌هاست. در این راستا، شاخص توسعه انسانی، در حال حاضر، قابل قبول‌ترین ابزار برای اندازه‌گیری رفاه و توسعه اقتصادی بوده و محاسبه این شاخص برای شناخت و تحلیل وضعیت رفاهی استان‌های مرزی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، این مطالعه با هدف سنجش و مقایسه سطح توسعه یافتگی استان‌های شمال غرب کشور با استفاده از شاخص توسعه انسانی انجام شده تا بتواند سطح مولفه‌هایی از قبیل درآمد، آموزش و بهداشت را در استان‌های مذکور بسنجد. برای این کار، شاخص توسعه انسانی با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ برای استان‌های مرزی شمال غرب کشور محاسبه شده و سطح توسعه یافتگی آنها تعیین شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی به لحاظ شاخص‌های آموزشی، بهداشتی و درآمدی در مقایسه با سایر استان‌ها وضعیت مطلوب‌تری داشته و شاخص توسعه انسانی بالاتری نسبت به آنها دارد. استان کردستان نیز از حیث شاخص‌های مذکور بدترین وضعیت را داشته و پایین‌ترین سطح توسعه انسانی را داراست. همچنین شاخص توسعه انسانی محاسبه شده نشان داد که استان‌های مورد مطالعه از سطح توسعه یافتگی متوسط برخوردار بوده و شاخص توسعه انسانی آنها بین ۰/۵ و ۰/۸ می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از صعودی بودن روند شاخص توسعه انسانی در تمام استان‌ها در بازه زمانی مورد مطالعه است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، استان‌های شمال غرب کشور، بهداشت، درآمد، شاخص توسعه انسانی.

مقدمه

نیروی انسانی را باید ثروت واقعی یک کشور دانست؛ با چنین پنداشتی، هدف اصلی توسعه باید فراهم ساختن محیطی باشد که افراد، از جسم سالمی برخوردار بوده و توانایی شکوفا کردن استعدادهای خود را داشته باشند. در راستای رسیدن به این مهم، اگرچه رشد اقتصادی مهم‌ترین ابزار به شمار می‌رود، اما نمی‌توان آن را هدف نهایی تلقی نمود. بر این اساس، در سال ۱۹۹۰، برنامه توسعه سازمان ملل^۱ روش جدیدی را برای اندازه‌گیری توسعه، پیشنهاد کرد که تمرکز مفهوم توسعه راه، از توسعه اقتصادی به توسعه اجتماعی انتقال می‌داد. در گزارشات توسعه انسانی سال ۱۹۹۰ آمده است که هدف توسعه، خلق محیطی برای افراد است که بتوانند از یک زندگی طولانی، توأم با سلامتی بهره‌مند باشند و هدف توسعه بایستی رفاه بشر باشد (Human Development Report, 1990). باید متذکر شد، اگرچه مفهوم توسعه انسانی گسترده‌تر از آن است که صرفاً با شاخص توسعه انسانی اندازه‌گیری شود، اما در شرایط کنونی این شاخص، بهترین شاخص برای اندازه‌گیری و نشان دادن توسعه انسانی به شمار می‌رود. شاخص توسعه انسانی توسعه را از جنبه‌های متعددی همچون آموزش بهداشت و درآمد مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر تنها به جنبه‌های مادی توسعه توجه نکرده و جنبه‌های دیگری از توسعه را نیز برای ارزیابی آن مدنظر قرار می‌دهد. استان‌های مرزی در معادلات اقتصادی و سیاسی کشور اهمیت ویژه‌ای داشته و توجه به سطح توسعه این استان‌ها و رفع موانع آن امری ضروری است. مرزنشینان در مقایسه با سایر افراد کشور در معرض آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی قرار داشته و در عین حال از خدمات رفاهی و اجتماعی پایین‌تری برخوردارند. همچنین توسعه مناطق مرزی یکی از عواملی موثری است که می‌تواند تا حدودی پدیده‌های منفی همچون مهاجرت مرزنشینان و قاچاق را کاهش دهد. از این رو اهمیت دارد تا سطح توسعه یافتگی در

این استان‌ها با استفاده از روش‌ها و شاخص‌های علمی سنجیده شود. مطالعات داخلی انجام شده در این زمینه موید این مطلب است که استان‌های مرزی سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی سطح توسعه یافتگی پایین‌تری داشته و نشانگر عدم توسعه یافتگی استان‌های مرزی است (نیسی، ۱۳۸۹). همچنین براساس مطالعات انجام شده استان‌های مرزی جزو استان‌های مهاجر فرست بوده و این پدیده عواقب اجتماعی و فرهنگی مطلوبی در پی نخواهد داشت. به لحاظ درآمد سرانه و هزینه زندگی نیز استان‌های مرزی رتبه‌های پایین‌تری دارند (نیسی، ۱۳۸۹). این امر توجه بیش از پیش به معیشت و رفاه استان‌های مرزی را ضروری می‌سازد. بر این اساس توجه به توسعه پایدار که متضمن تقویت هویت، اقتدار و امنیت ملی است، ضرورت داشته و بایستی مناطق دورافتاده و مرزی در تصمیمات کلان کشور در الویت قرار گیرند (شایان، ۱۳۸۳). سوال اصلی که در این تحقیق مطرح می‌شود این است که استان‌های مورد مطالعه به لحاظ شاخص توسعه انسانی چه وضعیتی دارند و وضعیت زیر شاخص‌های آموزش، درآمد و بهداشت در آنها چگونه می‌باشد؟ از این رو، در این تحقیق سطح توسعه انسانی در استان‌های مرزی شمال غرب کشور مطالعه و شاخص توسعه انسانی برای آن‌ها استخراج می‌گردد. بررسی روند این شاخص و اجزای سازنده آن، کمک خواهد کرد تا علل پایین بودن این شاخص در استان‌های مورد مطالعه شناسایی و تدابیر لازم برای رفع آن اتخاذ گردد. همچنین، به دلیل اینکه داده‌ها و اطلاعات لازم برای محاسبه شاخص توسعه انسانی در سطح استانی موجود نیست، لذا از آخرین داده‌ها استفاده و شاخص توسعه انسانی در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۳ استخراج می‌گردد. این استان‌ها عبارتند از: اردبیل، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان.

چهارچوب نظری

در گذشته از معیارهای متفاوتی برای اندازه‌گیری رفاه بشری استفاده می‌شد که مهم‌ترین آن تولید ناخالص داخلی بود؛ اما این شاخص در عمل با نقدهایی همراه بود. یکی از مهم‌ترین اقدامات به عمل آمده در راستای بهبود وضعیت توضیح‌دهندگی این شاخص، طرح مفهوم رفاه خالص اقتصادی است که توسط توبین و نوردهاوس (۱۹۷۳) ارائه گردید. این شاخص اگرچه بر پایه شاخص تولید ناخالص داخلی است، اما از دو جنبه با آن فرق دارد. اولاً این شاخص، بخشی از تولید ناخالص داخلی را که نقشی در رفاه بشری ندارد، در نظر نمی‌گیرد. ثانیاً برخی از اقلام مصرفی مهم و کلیدی که در این شاخص تبیین نشده‌اند نیز، در شاخص رفاه خالص اقتصادی مدنظر قرار گرفته است. در عمل، این شاخص نیز به دلایلی با شکست روبرو شد. اگرچه کار زنان خانه‌دار در رفاه و توسعه جامعه نقش مهمی دارد، اما به خاطر وجود ضعف در ابزارهای سنجش آن، این امر قابل اندازه‌گیری نیست. علاوه بر آن سایر عوامل موثر در رفاه و توسعه کشور مانند فقر، جرم، جنایت، طلاق و سایر موارد مشابه نیز در این شاخص در نظر گرفته نشده بود. در طول دهه‌های اخیر تلاش‌های بسیاری در زمینه معرفی ابزارهای بهتر برای سنجش توسعه معرفی شده است که از جمله بارزترین آن‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. درنورسکی و اسکات (۱۹۶۶) با ارائه شاخص واحد^۲ بیان کردند که تعداد زیادی از متغیرهای اجتماعی مانند تغذیه، مسکن، بهداشت و سلامتی، امنیت، محیط اجتماعی و فیزیکی و غیره در شاخص‌های معمول اندازه‌گیری رفاه اقتصادی در نظر گرفته نشده و بایستی آنها را در نظر گرفت. در دهه ۱۹۷۰، موریس شاخص کیفیت فیزیکی زندگی^۳ را ارائه داد و مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی در بدو تولد و نرخ باسواد بزرگسالان را در قالب این شاخص به کار برد. کمیته بحران جمعیت^۴ (۱۹۸۲)، با توجه به

متغیرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، شاخص بین‌المللی رنج بشری^۵ را ارائه کرد. در این شاخص تعداد زیادی از متغیرها مانند امید به زندگی در بدو تولد، کالری دریافتی، دسترسی به آب سالم، آسامیدنی، ثبت نام در دوره راهنمایی، نرخ تورم، واکسیناسیون نوزادان و سایر شاخص‌هایی که حقوق شهروندی و آزادی‌های سیاسی را اندازه‌گیری می‌کرد، به عنوان معیارهای رفاه در نظر گرفته شد. در کل با وجود تلاش‌های صورت گرفته تا سال ۱۹۹۰، فرض بر این بود که توسعه اقتصادی با رشد بالای درآمدسرانه اندازه‌گیری می‌شود و وجود سطح بالای تولید ناخالص داخلی سرانه به منزله افزایش سطح استاندارد زندگی برای همه افراد تلقی می‌شد (Anand and Ravillion, 1993; Ben and David, 1993). از آن جا که تولید ناخالص داخلی سرانه، تنها متوسط درآمد ملی را اندازه‌گیری کرده و چگونگی توزیع و طریقه استفاده از درآمد را مشخص نمی‌سازد، مقایسه کشورها، براساس تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص توسعه انسانی می‌تواند تا حدودی، نتایج سیاست‌های مختلف را نشان دهد. سرانجام در سال ۱۹۹۰، شاخص توسعه انسانی توسط محبوب الحق^۶ ارائه گردید. وی توسعه انسانی را پروسه و فرایند گسترده‌سازی انتخابات فردی اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عنوان می‌نماید. این مفهوم بیان می‌کند که توسعه تنها افزایش درآمد سرانه نبوده و موفقیت‌های یک کشور را در سه بعد اساسی، اندازه‌گیری می‌کند.

- زندگی طولانی، توام با سلامت؛ که با امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود. امید به زندگی، انتظار زنده ماندن یک فرد در بدو تولد را نشان می‌دهد به شرط آنکه الگوی مرگ و میر رایج در زمان تولد فرد به همان صورت باقی بماند. این شاخص تابع سلامتی، کیفیت زندگی، امکانات بهداشتی، دسترسی به حداقل‌های زندگی، فقدان اضطراب، آرامش و برخورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، برخورداری از سلامت در درازمدت،

تر شود، رویکردی که براساس آن، قابلیت‌های فردی، عملکردهای متفاوتی دارند و همین تفاوت باعث می‌شود که افراد دارای قابلیت یکسان از شاخص رفاه و آسایش متفاوتی برخوردار باشند. این نگاه به توسعه انسانی، جهت تحلیل‌ها را تغییر می‌دهد؛ بدین معنا که نه تنها به کیفیت و ویژگی‌های رفاهی مثل درآمد، آموزش، بهداشت و ... توجه دارد، بلکه دربردارنده فرصت‌های ممکن است که در موقعیت‌های خاص در دسترس افراد قرار دارد. بنابراین، بین فرصت‌های افراد و ویژگی‌های آنها ارتباط وجود دارد و فرصت‌های در دسترس افراد شدیداً تحت تأثیر ویژگی‌ها و کیفیت آنها است. جالب‌تر این که رویکرد قابلیت پا را از توجه به ویژگی‌ها و کیفیت افراد در تجزیه و تحلیل‌ها فراتر می‌گذارد و نقش محیط اجتماعی را روی دایره انتخاب افراد مؤثر می‌داند، بدین معنا که یک فرد در یک جامعه باز و آزاد از مجموعه کارکردهای بیشتری برخوردار است تا در یک جامعه بسته (کلانتری، ۱۳۹۰). همانند هر شاخصی، شاخص توسعه انسانی نیز با ایرادات و انتقاداتی همراه بوده است. گسترده بودن مفهوم توسعه و نوپا بودن شاخص توسعه انسانی عامل اصلی این انتقادات می‌باشد. بخشی از این انتقادات، مربوط به فرمول محاسباتی آن می‌باشد. برای مثال مازومدار (۲۰۰۳)، مقادیر ثابت حداقل و حداکثر منظور شده در این فرمول را بیانگر هدف نهایی و غایی توسعه نمی‌داند. ایرادی که استوارت (۲۰۰۲) بر فرمول محاسبه شاخص توسعه انسانی وارد می‌داند این است که درآمدهای بالاتر از مقادیر حداکثر تعیین شده (۴۰۰۰۰ دلار)، با نرخ بیشتری تنزیل می‌شوند؛ همچنین در این فرمول، وزن یکسانی برای شاخص‌های ابعادی آن قایل است، در صورتی که میانگین و واریانس آنها متفاوت می‌باشد. بخش دیگری از انتقادات نیز به خاطر مولفه‌هایی است که در این شاخص منظور نشده است. آزادی سیاسی، مالکیت فردی، مسئله فقر، نابرابری جنسیتی و غیره، از جمله این موارد می‌باشند (Stewart and Hicks, 1997)

میزان آسیب‌پذیری در برابر بیماری یا مرگ‌های ناگهانی را کاهش می‌دهد.

- سطح دانش؛ که از ترکیب میانگین سال‌های تحصیلی افراد^۷ با سال‌های مورد انتظار تحصیلی^۸ برای افراد به دست می‌آید.

- سطح متوسط و استاندارد زندگی؛ که با درآمد ناخالص ملی سرانه^۹ اندازه‌گیری می‌شود.

اولین بار محبوب الحق گزارش توسعه انسانی را بنا نهاد. در اولین گزارش که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، در تعریف توسعه انسانی آمده است «توسعه انسانی، فرایند گسترش انتخاب افراد است». تأثیرگذاری و تعدد موضوعات در زمینه توسعه انسانی سبب شده است تا برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سال ۲۰۱۰ را سال «بازاندیشی در توسعه انسانی»^{۱۰} اعلام کند. و از آن سال برنامه توسعه سازمان ملل متحد^{۱۱} به طور سالانه، به منظور سنجش و درجه‌بندی کشورها، این شاخص را منتشر می‌کند و تاکنون نیز ۱۹ گزارش توسعه انسانی را منتشر کرده است. محبوب الحق می‌گوید: «هدف اساسی توسعه، گسترش انتخاب^{۱۲} است» (متوسلی و نایینی، ۱۳۹۰). شایان ذکر است که، شاخص توسعه انسانی در زبان انگلیسی به صورت اختصاری^{۱۳} HDI شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور. شاخص‌های توسعه انسانی که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، ارائه‌دهنده جدیدترین اطلاعات مربوط به توسعه جهانی است و شامل برآوردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. این آمارها، که ۲۱۵ اقتصاد جهان را دربرمی‌گیرد، به صورت آمارهای سالانه منتشر می‌شود (آصف زاده و پیری، ۱۳۸۳). از نگاه دیگر توسعه انسانی را به عنوان هدف نهایی فعالیت‌های بشری و بنابراین از جمله اهداف فرآیند توسعه و از طرف دیگر رشد اقتصادی نیز به عنوان یک نماینده و نمایشگر رفاه اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. توسعه انسانی که حسب تعریف عبارت است از افزایش دامنه انتخاب افراد به طوری که منجر به دستیابی به زندگی مثمرتر، سالم‌تر و طولانی‌

(Deneulin, 2002). بنابراین در راستای این انتقادات، شاخص‌های جدیدی معرفی شدند تا بتوانند قسمتی از این نواقص را پوشش دهند. معرفی شاخص توسعه جنسیتی (GDI) و شاخص توانمندسازی زنان (GEM) به دنبال این انتقادات شکل گرفتند.

پیشینه تحقیق

باهتیا و رای (۲۰۰۴)؛ در پژوهشی با استفاده از ۲۳ شاخص، به کمک روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند پرداخته‌اند. در این پژوهش یک بار با کل ۳۲ شاخص سطح توسعه بلوک‌ها تعیین شده، به طوری که ۴۳ بلوک توسعه یافته، ۱۸ بلوک نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۸ بلوک کمتر توسعه یافته و ۳۲ بلوک توسعه نیافته بوده‌اند. سپس بار دیگر با ۱۲ شاخص مربوط به بخش خدمات و رفاه اجتماعی این بخش را به لحاظ توسعه رتبه‌بندی نموده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ۵۶ بلوک توسعه یافته، ۱۵۶ بلوک نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۶ بلوک کمتر توسعه یافته و ۵۲ بلوک توسعه نیافته معرفی شده‌اند. در ادامه این پژوهش پیشنهادهای چند جهت کاهش این اختلاف توسعه در بین مناطق مورد مطالعه ارائه داده‌اند. مریام نوری (۲۰۰۸)؛ در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری توسعه پایدار، نتایج حاصل از یک تحلیل در ۸ بعد توسعه پایدار را در فرانسه مورد مطالعه قرار داده است. وی بر این واقعیت تأکید می‌کند که هیچ شاخصی کامل نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند در مورد توسعه پایدار نظر جامعی بدهد. و با توجه به این تحقیق، شاخص‌ها نتایج مختلفی را نشان می‌دهند و به نظر وی در طی سال مورد بررسی، حرکت فرانسه به سمت توسعه پایدار روند کندی داشته است. نیسی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران" شاخص توسعه انسانی را برای استان‌های کشور محاسبه کرده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که کمترین

امتیاز شاخص توسعه انسانی بدون احتساب نفت خام و گاز طبیعی، مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان (۰/۵۸۲۳)، کردستان (۰/۶۳۵)، آذربایجان غربی (۰/۶۴۳۶) و بیشترین امتیاز مربوط به استان‌های تهران (۰/۷۵۹۶)، یزد (۰/۷۲۸۹) و اصفهان (۰/۷۲۴) می‌باشد. همچنین نتایج مطالعه نشان داد، کمترین امتیاز مربوط به شاخص توسعه انسانی با احتساب نفت خام و گاز طبیعی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان (۰/۵۸۲۳)، کردستان (۰/۶۳۵)، آذربایجان غربی (۰/۶۴۳۶) و بیشترین امتیاز شاخص توسعه انسانی با احتساب نفت خام و گاز طبیعی مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۰/۷۹۸۵)، خوزستان (۰/۷۶۰۷)، تهران (۰/۷۵۹۶)، بوشهر (۰/۷۴۶۱)، یزد (۰/۷۲۸۹) و اصفهان (۰/۷۲۴) بوده است. حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی)" سطح توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی بین شهرستان‌های این محدوده را با استفاده از آمارهای رسمی و مدل آماری تاکسونومی عددی مورد ارزیابی قرار داده و به سطح‌بندی آنها پرداخته و از ۸ شاخص، که نشان دهنده توسعه صنعتی هستند برای سطح‌بندی این شهرستان‌ها استفاده کرده است. مهم‌ترین نتیجه پژوهش که می‌توان به آن اشاره کرد این است که نزدیکی به مرزهای بین‌المللی تأثیری بر میزان توسعه یافتگی آنها نداشته است و تفاوت‌های قومی و زبانی عامل تعیین کننده سطح توسعه یافتگی در این شهرستان‌های است، محمدعلی‌خانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب" وضعیت شاخص توسعه انسانی در ایران و کشورهای منطقه را محاسبه کرده و جایگاه کشورمان را در منطقه از نظر این شاخص بررسی کرده است. در این مطالعه، کشورهای مورد بررسی شامل کویت، امارات متحده عربی، بحرین، ارمنستان، ترکیه،

شهرستان ساحلی و یک شهرستان مرزی است. در این تحقیق، سه شاخص آموزش، امید به زندگی و سرانه تولید ناخالص داخلی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که در سال ۱۳۹۰ کلیه شهرستان‌های مرزی استان گیلان از لحاظ توسعه یافتگی در وضعیت متوسط (اندازه شاخص بین ۰/۵ و ۰/۸) قرار دارند. این ارقام نشان دهنده وضعیت مشابه توسعه یافتگی برای شهرستان‌های مرزی استان گیلان بوده و بیانگر این واقعیت است که تفاوت‌های اساسی برای آنها از لحاظ معیارهای توسعه وجود ندارد. نظم فر و علی بخشی (۱۳۹۳) در پژوهش خود تحت عنوان "سنجش میزان برخورداری شهرستان‌های استان خوزستان از شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک ادغام: با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه تاکسونومی عددی، ویکور و تاپسیس و ادغام نتایج آن با تکنیک‌های ادغامی (میانگین رتبه‌ها، روش بردا و کپ لند) به تحلیل و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان به این نتایج دست یافته‌اند که اختلاف قابل ملاحظه‌ای میان سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان وجود دارد و شهرستان‌های دشت آزادگان، بندر ماهشهر، شوش، خرمشهر، شادگان، اندیکا، هویزه و گتوند از مدار توسعه استان فاصله زیادی دارند و نابرابری در سطوح توسعه در بین شهرستان‌های استان، به دلیل عدم توزیع یکنواخت شاخص‌های مختلف در بین آنها می‌باشد و لازم است در راستای تامین عدالت فضایی در برنامه‌ریزی‌ها، شهرستان‌های محروم در اولویت قرار گیرند. میرزاخانی و برندک (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان "سطح‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل" با روش توصیفی-تحلیلی و کمی، وضعیت شهرستان‌های استان اردبیل به لحاظ شاخص‌های فرهنگی، اقتصادی، زیربنایی و بهداشتی و درمانی، با استفاده از سالنامه‌ی آماری ۱۳۹۱ استان، مورد مطالعه قرار داده و به این نتایج دست یافته‌اند که، شهرستان نمین برخوردارترین

لبنان، جمهوری اسلامی ایران، آذربایجان، سوریه و پاکستان می‌باشد. براساس گزارشات توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی در ایران از ۰/۵۷۱ در سال ۱۹۷۵ به ۰/۷۸۲ در سال ۲۰۰۹ افزایش پیدا کرده است و از این حیث در بین ۱۸۲ کشور جهان، رتبه ۸۸ را به خود اختصاص داده و در بین کشورهای منطقه حوزه سند چشم انداز بیست ساله در رتبه دوازدهم قرار گرفته است. سرور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی)" به بررسی تفاوت‌ها و نابرابری‌ها بین شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی از نظر وضعیت و سطح برخورداری از ۶۳ شاخص (شامل شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و کالبدی) پرداخته است. باتوجه به نتایج به دست آمده از بررسی‌ها مشخص شد که شاخص‌های توسعه در میان شهرستان‌های این استان به صورت متعادل توزیع نشده است و شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت و ارومیه به ترتیب در جایگاه اول تا سوم از لحاظ برخورداری از این شاخص‌ها دارای وضعیت فرابرخودار می‌باشند. در مقابل، شهرستان‌های ماکو، اشنویه و چالدران دارای وضعیت نابرخودار از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه می‌باشند. همچنین، با توجه به نتایج روش تاپسیس از لحاظ برخورداری از شاخص‌های آموزشی شهرستان سردشت، شاخص‌های اجتماعی اشنویه و نیز شاخص‌های اقتصادی و کالبدی شهرستان ارومیه در جایگاه نخست قرار گرفته‌اند. زبینه و فیض بخش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه شاخص توسعه انسانی شهرهای مرزی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ (مطالعه موردی: استان گیلان)" اقدام به محاسبه شاخص توسعه‌ی انسانی و مؤلفه‌های آن برای شهرستان‌های مرزی-ساحلی استان گیلان نموده است. جامعه آماری تحقیق، شهرستان‌های مرزی-ساحلی استان گیلان مشتمل بر هشت

و شهرستان‌های بيله سوار و پارس آباد (مناطق شمالی استان)، محروم‌ترین شهرستان‌های استان به لحاظ شاخص‌های یاد شده می‌باشند. از نظر دید راهکاری، منطبق شدن میزان محرومیت از نظر مکانی با مناطق شمالی استان، آمایش هرچه دقیق‌تر مناطق با اعطای امتیازات اقتصادی و احیای نقش بازرگانی (مثل منطقه‌ی آزاد) را می‌طلبد. زنگنه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور" وضعیت هر یک از مناطق شهری کشور را از نظر برخورداری از شاخص‌های توسعه انسانی بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که میانگین شاخص آموزش در مناطق شهری ۰/۶۰۸، شاخص استاندارد زندگی ۰/۷۱۶، شاخص سلامت ۰/۸۴۷ و شاخص ترکیبی توسعه انسانی ۰/۷۰۱ است. مطلوب‌ترین وضعیت شاخص توسعه انسانی به ترتیب مربوط به مناطق شهری استان‌های تهران با ۰/۷۵۶، اصفهان با ۰/۷۵۲ و قزوین با ۰/۷۵ است. نامطلوب‌ترین وضعیت این شاخص به ترتیب مربوط به مناطق شهری استان‌های سیستان و بلوچستان با ۰/۶۲۸، کردستان با ۰/۶۳۲ و آذربایجان غربی با ۰/۷۵ است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سه شاخص آموزش، تولید ناخالص سرانه، امید به زندگی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی نامطلوب‌ترین وضعیت و مناطق شهری تهران، اصفهان و قزوین مطلوب‌ترین وضعیت را دارا بوده‌اند. دسته‌بندی مناطق شهری استان‌ها براساس شاخص توسعه انسانی حاکی از آن است که رده بسیار محروم منطبق بر استان‌های مرزی و رده استان‌هایی که مطلوب‌ترین وضعیت را دارا هستند مربوط به مناطقی است که اغلب در مرکز کشور واقع شده‌اند. در مجموع نابرابری شدیدی بین مناطق شهری کشور مشاهده می‌شود و این نابرابری در شاخص استاندارد زندگی بیشتر از دو شاخص دیگر است.

مواد و روش تحقیق

در این پژوهش برای محاسبه توسعه پایدار از شاخص‌های ابعادی، شاخص درآمد، شاخص آموزش، شاخص بهداشت و شاخص توسعه انسانی استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

اولین گام برای محاسبه شاخص توسعه انسانی، محاسبه شاخص‌های ابعادی آن می‌باشد. برای شاخص‌های ابعادی توسعه انسانی مقادیر حداقل و حداکثر معرفی شده است. مقادیر حداقل، حداقل‌هایی است که در ۳۰ سال گذشته مشاهده شده است. مقادیر حداکثر نیز، حداکثرهایی هستند که در ۳۰ سال آینده می‌توان تصور کرد. حداقل و حداکثرهای تعیین شده در جدول ۱ ارائه شده و شاخص‌های ابعادی با به کارگیری فرمول رابطه ۱ (که عددی بین صفر تا یک است) محاسبه می‌شوند.

رابطه ۱)

$$\text{index} = \frac{X_{\text{actual}} - X_{\text{min}}}{X_{\text{max}} - X_{\text{min}}}$$

که در آن X_{actual} مقادیر واقعی و مشاهده شده متغیر بوده و X_{max} و X_{min} به ترتیب حداکثر مقدار و حداقل مقدار آن متغیر را نشان می‌دهد. بدین ترتیب شاخص‌های ابعادی شاخص توسعه انسانی به صورت روابط ۲ تا ۷ قابل محاسبه خواهند بود.

رابطه ۲)

$$\text{H-index} = \frac{LE_i - 20}{82.6 - 20}$$

رابطه ۳)

$$\text{MS-index} = \frac{MS_i - 0}{13.3 - 0}$$

رابطه ۴)

$$\text{ES-index} = \frac{ES_i - 0}{18 - 0}$$

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

رابطه (۵) $Y - index$ شاخص درآمد می باشد. شاخص توسعه انسانی میانگین هندسی سه شاخص بهداشت، آموزش و درآمد خواهد بود. براساس شاخص توسعه انسانی استان ها به ۴ دسته تقسیم می شوند. استان های با سطح توسعه انسانی بسیار بالا ($HDI \geq 0.9$)، استان های با سطح توسعه انسانی بالا ($HDI \geq 0.8$)، استان های با سطح توسعه انسانی متوسط ($0.8 > HDI > 0.5$) و استان های با سطح توسعه انسانی پایین ($HDI \leq 0.5$)، در این بخش، با استفاده از داده های موجود، شاخص های ابعادی شاخص توسعه انسانی محاسبه شده و در پایان شاخص توسعه انسانی برای استان های منتخب به دست خواهد آمد.

$$E - index = \frac{\sqrt{MS - index \times ES - index} - 0}{0.971 - 0}$$

رابطه (۶)

$$Y - index = \frac{\ln(Y_i) - \ln(100\$)}{\ln(87478\$) - \ln(100\$)}$$

رابطه (۷)

$$HDI = \sqrt[3]{H - index \times E - index \times Y - index}$$

که در آن $H - index$ شاخص بهداشت، $MS - index$ شاخص میانگین سال های تحصیل، $ES - index$ شاخص سال های تحصیل مورد انتظار، $E - index$ شاخص آموزش بوده و

جدول ۱: حداکثر و حداقل های اعمال شده در شاخص توسعه انسانی

مقادیر حداکثر و حداقل		شاخص ها
حداکثر	حداقل	
۶/۸۳	۲۰	امید به زندگی در بدو تولد
۳/۱۳	۰	میانگین سال های تحصیل
۱۸	۰	سال های مورد انتظار تحصیل
۹۷۱/۰	۰	شاخص آموزشی ترکیبی
۸۷۴۷۸	۱۰۰	درآمد ناخالص ملی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید و به دلار)

ملی استان ها برحسب برابری قدرت خرید و به دلار محاسبه می شود. نتایج این محاسبات در جدول ۲ ارائه شده است. در گام بعدی با استفاده از فرمول زیر شاخص ابعادی درآمد به تفکیک استانی محاسبه خواهد شد.

رابطه (۸)

$$Y - index = \frac{\ln(Y_i) - \ln(100\$)}{\ln(87478\$) - \ln(100\$)}$$

روند شاخص درآمدی نشان می دهد که استان آذربایجان شرقی بیشترین سطح درآمد سرانه را دارا بوده و اختلاف فاحشی با سایر استان های مورد مطالعه دارد. استان اردبیل نیز از این لحاظ در رتبه بعدی قرار

شاخص درآمد

یکی از مولفه های اصلی رفاه و تعیین کننده پیشرفته بودن اقتصاد کشورها، سطح درآمد سرانه آنهاست. از دیرباز کشورها کوشیده اند تا سطح درآمد ملی را با سیاست های اقتصادی متداول ارتقا بخشند. اگرچه سطح درآمد سرانه یکی از شاخص های اندازه گیری رفاه است، اما شاخص توسعه انسانی شاخص کامل تری نسبت به درآمد بوده و آن را نیز در برمی گیرد. شاخص درآمد با استفاده از درآمد ناخالص ملی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید و به دلار) محاسبه می شود. ابتدا داده های مربوط به درآمد ملی در سطح استانی با استفاده از نرخ برابری دلار به ریال به دلار تبدیل شده و سپس با استفاده از فرمول مربوطه، درآمد ناخالص

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

دارد. در ضمن، استان کردستان در بین استان‌های مورد مطالعه کمترین سطح درآمد سرانه را داراست.

جدول ۲: درآمد ناخالص ملی سرانه برحسب برابری قدرت خرید به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

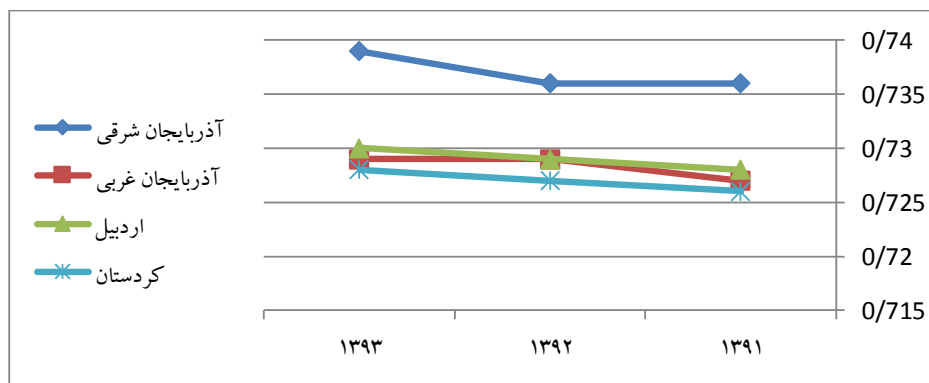
کردستان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	
۲/۱۳۷۲۳	۸/۱۳۹۰۵	۲/۱۳۸۲۷	۹/۱۴۶۸۷	۱۳۹۱
۸/۱۳۷۹۸	۳/۱۳۹۷۹	۸/۱۳۹۵۳	۲/۱۴۷۲۵	۱۳۹۲
۵/۱۳۸۶۴	۱/۱۴۰۵۴	۴/۱۴۰۲۵	۵/۱۴۹۸۲	۱۳۹۳
۵/۱۳۷۹۵	۷/۱۳۹۷۹	۴/۱۳۹۳۵	۵/۱۴۷۹۸	میانگین

منبع: محاسبات محقق

جدول ۳: شاخص ابعادی درآمد به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

کردستان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	
۰,۷۲۶	۰,۷۲۸	۰,۷۲۷	۰,۷۳۶	۱۳۹۱
۰,۷۲۷	۰,۷۲۹	۰,۷۲۹	۰,۷۳۶	۱۳۹۲
۰,۷۲۸	۰,۷۳۰	۰,۷۲۹	۰,۷۳۹	۱۳۹۳
۰,۷۲۷	۰,۷۲۹	۰,۷۲۸	۰,۷۳۷	میانگین

منبع: محاسبات محقق



شکل ۱: روند شاخص ابعادی درآمد به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

شاخص آموزش

آموزش یکی از اجزای مهم توسعه انسانی محسوب شده و اهمیت آن در ارتقای توان تولیدی و درآمد افراد غیرقابل انکار می‌باشد. اهمیت در کتاب خود ارتقای مهارت نیروی کار را به عنوان منشاء اصلی پیشرفت و افزایش رفاه اقتصادی بیان کرد و چگونگی تأثیرگذاری سرمایه انسانی و مهارت نیروی کار بر درآمد شخصی و ساختار دستمزدها را ارائه کرد. علاوه بر آن در برخی از مطالعات نشان داده شده است که

بالا بودن سطح آموزش عاملی تعیین‌کننده در شاخص‌های بهداشتی آن جامعه بوده و افراد دارای سطح آموزش بالاتر دارای مولفه‌های بهداشتی قابل قبول‌تری هستند. برای نمونه لوکاس^{۱۴} معتقد است تخصیص منابع به بخش آموزش به مثابه محرکی در رشد اقتصادی موجب افزایش سطح تولید می‌شود. شاخص آموزش میانگین سال‌های تحصیل افراد را با سال‌های مورد انتظار تحصیلی آنها ترکیب کرده و یک شاخص ترکیبی آموزش را ارائه می‌کند. برای این کار

تحصیل نیز براساس این داده‌ها محاسبه و در جدول ۵ گزارش شده است. اکنون می‌توان با استفاده از این دو شاخص ابعادی، شاخص ترکیبی آموزش را بدست آورد (جدول ۶). نتایج این جدول نشان می‌دهد که استان کردستان کم‌ترین میزان میانگین شاخص ترکیبی آموزش را داراست. استان آذربایجان شرقی نیز بیشترین شاخص ترکیبی آموزشی را دارا بوده و از این حیث استان‌های اردبیل و آذربایجان غربی نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین روند این شاخص در استان‌های مرزی منتخب صعودی است (شکل ۲).

ابتدا شاخص‌های میانگین سال‌های تحصیل افراد و شاخص سال‌های مورد انتظار تحصیل محاسبه شده و سپس با استفاده از فرمول زیر شاخص ترکیبی آموزش به دست می‌آید.

$$E - index = \frac{\sqrt{MS - index \times ES - index}}{0.971 - 0}$$

میانگین سال‌های تحصیل افراد و سال‌های مورد انتظار تحصیلی به تفکیک استانی و در دوره ۱۳۹۱-۱۳۹۳ در جدول ۴ ارائه شده است. شاخص‌های میانگین سال‌های تحصیل افراد و شاخص سال‌های مورد انتظار

جدول ۴: میانگین سال‌های تحصیل و سال‌های مورد انتظار تحصیلی به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

کردستان		اردبیل		آذربایجان غربی		آذربایجان شرقی		
سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	
۱/۱۱	۳/۶	۳/۱۲	۷	۷/۱۱	۶/۶	۳/۱۳	۱/۷	۱۳۹۱
۶/۱۱	۵/۶	۸/۱۲	۱/۷	۲/۱۲	۸/۶	۷/۱۳	۳/۷	۱۳۹۲
۳/۱۲	۸/۶	۴/۱۳	۳/۷	۹/۱۲	۹/۶	۱۴	۶/۷	۱۳۹۳
۶۶/۱۱	۵۳/۶	۸۳/۱۲	۱۳/۷	۲۶/۱۲	۷۶/۶	۶۶/۱۳	۳۳/۷	میانگین

منبع: محاسبات محقق

جدول ۵: شاخص ابعادی میانگین سال‌های تحصیل و سال‌های مورد انتظار تحصیلی به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

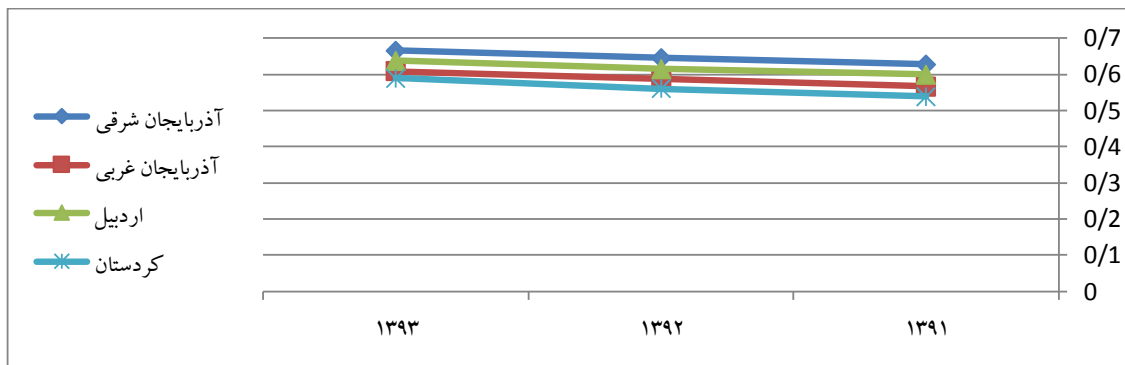
کردستان		اردبیل		آذربایجان غربی		آذربایجان شرقی		
سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	میانگین سال‌های تحصیل	
۰.۶۱۶	۰.۴۷۳	۰.۶۸۳	۰.۵۲۶	۰.۶۵	۰.۴۹۶	۰.۷۳۸	۰.۵۳۳	۱۳۹۱
۰.۶۴۴	۰.۴۸۸	۰.۷۱۱	۰.۵۳۳	۰.۶۷۷	۰.۵۱۱	۰.۷۶۱	۰.۵۴۸	۱۳۹۲
۰.۶۸۳	۰.۵۱۱	۰.۷۴۴	۰.۵۴۸	۰.۷۱۶	۰.۵۱۸	۰.۷۷۷	۰.۵۷۱	۱۳۹۳

منبع: محاسبات محقق

جدول ۶: شاخص ترکیبی آموزش به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

کردستان	گلستان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	
۰.۵۳۹	۰.۵۸۹	۰.۵۹۹	۰.۵۶۷	۰.۶۲۷	۱۳۹۱
۰.۵۶۰	۰.۶۱۵	۰.۶۱۵	۰.۵۸۸	۰.۶۴۵	۱۳۹۲
۰.۵۹۰	۰.۶۳۸	۰.۶۳۸	۰.۶۰۹	۰.۶۶۶	۱۳۹۳
۰.۵۶۳	۰.۶۱۴	۰.۶۱۷	۰.۵۸۸	۰.۶۴۶	میانگین

منبع: محاسبات محقق



شکل ۲: روند شاخص ترکیبی آموزش به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

شاخص بهداشت

وضعیت بهداشتی شاخص دیگری است که بر وضعیت اقتصادی افراد تاثیرگذار است. در کشورهای پیشرفته که وضعیت رفاهی مطلوبی برخوردارند، وضعیت بهداشتی و شاخصه‌های بهداشتی آنها نیز در حد مطلوب می‌باشد. در مطالعات متعددی تاثیر مثبت شاخص‌های بهداشتی نظیر امید به زندگی، مخارج بهداشتی، تعداد پزشکان، تعداد تخت‌های بیمارستانی و غیره بر رفاه و رشد اقتصادی تایید شده است. با توجه به اهمیت وضعیت بهداشتی، این شاخص نیز به عنوان یکی از مولفه‌های شاخص توسعه انسانی در نظر گرفته شده است. وضعیت بهداشتی در این شاخص با استفاده از مقیاس امید به زندگی اندازه‌گیری می‌شود. امید به زندگی انتظار زنده ماندن یک فرد را در ابتدای تولد نشان می‌دهد به شرط آن که الگوی مرگ و میر رایج در زمان تولد فرد به همان صورت باقی بماند. این شاخص تابع سلامتی، کیفیت زندگی، امکانات

بهداشتی، دسترسی به حداقل‌های زندگی، نبود اضطراب، آرامش و برخورداری از سلامت در بلندمدت، میزان آسیب‌پذیری در برابر بیماری یا مرگ‌های ناگهانی است. در این بخش برای محاسبه بعد بهداشت شاخص توسعه انسانی از داده‌های امید به زندگی در بدو تولد در استان‌های منتخب (جدول ۷) استفاده کرده و شاخص بهداشت در آنها با توجه به فرمول زیر محاسبه می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که روند شاخص بهداشت در استان‌های مورد مطالعه صعودی بوده و استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان به ترتیب بیشترین و کمترین شاخص بهداشتی را دارند. استان اردبیل نیز به لحاظ شاخص بهداشتی در مقایسه با استان آذربایجان غربی وضعیت بهتری داشته است (شکل ۳).

رابطه (۱۰)

$$H - index = \frac{LE_i - 20}{83.6 - 20}$$

جدول ۷: امید به زندگی در بدو تولد به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

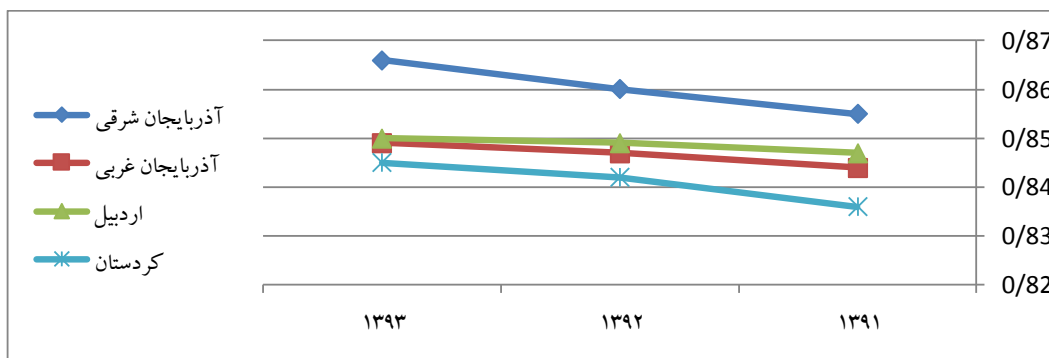
کردستان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	
۷۳٫۲	۷۳٫۹	۷۱٫۷۳	۴۱٫۷۴	۱۳۹۱
۶۱٫۷۳	۷۴	۹۱٫۷۳	۷۱٫۷۴	۱۳۹۲
۸۱٫۷۳	۱۱٫۷۴	۷۴	۱۱٫۷۵	۱۳۹۳
۵۳٫۷۳	۷۴	۸۶٫۷۳	۷۳٫۷۴	میانگین

منبع: محاسبات محقق

جدول ۸: شاخص ابعادی بهداشت به تفکیک استان (۱۳۹۳-۱۳۹۱)

کردستان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	
۰.۸۳۶	۰.۸۴۷	۰.۸۴۴	۰.۸۵۵	۱۳۹۱
۰.۸۴۲	۰.۸۴۹	۰.۸۴۷	۰.۸۶	۱۳۹۲
۰.۸۴۵	۰.۸۵	۰.۸۴۹	۰.۸۶۶	۱۳۹۳
۰.۸۴۱	۰.۸۴۹	۰.۸۴۶	۰.۸۶	میانگین

منبع: محاسبات محقق



شکل ۳: روند شاخص بهداشت به تفکیک استان (۱۳۹۳-۱۳۹۱)

بیشترین شاخص توسعه انسانی را دارا می‌باشند. همچنین روند کلی این شاخص در استان‌های مورد مطالعه صعودی می‌باشد. میزان شاخص توسعه انسانی محاسبه شده نشان می‌دهد که تمامی استان‌های مورد مطالعه به لحاظ توسعه جزو مناطق با سطح توسعه متوسط می‌باشند و شاخص توسعه انسانی آنها بین ۰/۵ و ۰/۸ قرار دارد (شکل ۴).

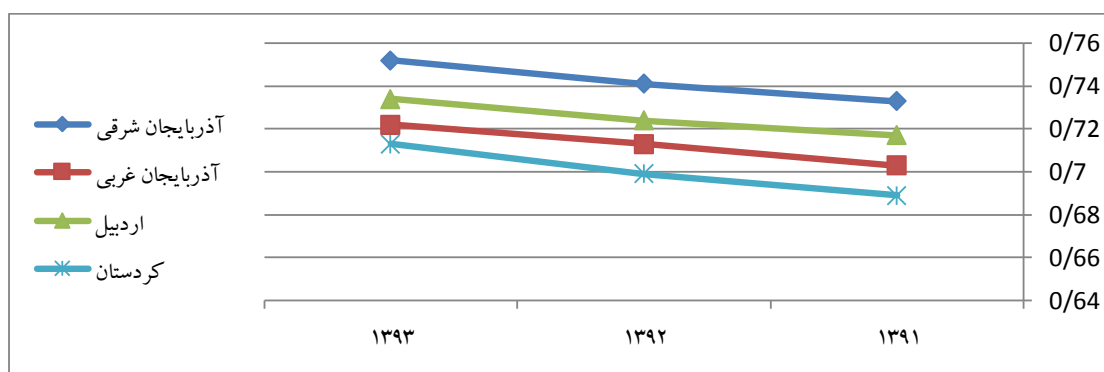
شاخص توسعه انسانی

پس از محاسبه شاخص های ابعادی، در پایان می‌توان شاخص توسعه انسانی را با فرمول زیر محاسبه کرد. مشاهده می‌شود که شاخص توسعه انسانی میانگین هندسی سه شاخص ابعادی محاسبه شده می‌باشد. میانگین شاخص توسعه انسانی محاسبه شده در دوره ۱۳۹۳-۱۳۹۱ نشان می‌دهد که استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، آذربایجان غربی و کردستان به ترتیب

جدول ۹: شاخص توسعه انسانی به تفکیک استان (۱۳۹۳-۱۳۹۱)

کردستان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	
۰.۶۸۹	۰.۷۱۷	۰.۷۰۳	۰.۷۳۳	۱۳۹۱
۰.۶۹۹	۰.۷۲۴	۰.۷۱۳	۰.۷۴۱	۱۳۹۲
۰.۷۱۳	۰.۷۳۴	۰.۷۲۲	۰.۷۵۲	۱۳۹۳
۰.۷	۰.۷۲۵	۰.۷۱۳	۰.۷۴۲	میانگین

منبع: محاسبات محقق



شکل ۴: روند شاخص توسعه انسانی به تفکیک استان (۱۳۹۱-۱۳۹۳)

بحث و نتیجه گیری

اگرچه شاخص توسعه انسانی به عنوان شاخص رفاه مورد نقد قرار می‌گیرد، اما از برخی جهات نسبت به تولید ناخالص داخلی ارجحیت دارد؛ زیرا شاخص تولید ناخالص داخلی، صرفاً یک معیار اقتصادی بوده و توسعه را از منظر اقتصادی مد نظر قرار داده است. حال آنکه توسعه پایدار حرکت و رفتار همزمان جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در این راستا، شاخص توسعه انسانی به همراه سایر شاخص‌هایی که توسط برنامه‌های سازمان ملل منتشر شده است، معیارهای خوبی برای اندازه‌گیری سطح رفاه بشری می‌باشند (حداقل تا این زمان). به دلیل جامع‌تر بودن شاخص توسعه انسانی و اهمیت استان‌های مرزی در امنیت و اقتصاد کشور، این مطالعه کوشیده است تا سطح توسعه یافتگی استان‌های منتخب مرزی را تعیین کند. برای این منظور با استفاده از منابع بانک جهانی، بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، شاخص توسعه انسانی و نیز شاخص ابعادی آن به صورت سالیانه در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان محاسبه شده است. نتیجه محاسبات نشان می‌دهد که به لحاظ شاخص‌های آموزش، بهداشت و درآمد، استان آذربایجان شرقی در مقایسه با سایر استان‌ها وضعیت مطلوب‌تری داشته و شاخص توسعه انسانی بالاتری

نسبت به آنها دارد. استان کردستان نیز از حیث شاخص‌های مذکور و در مقایسه با سایر استان‌ها بدترین وضعیت را داشته و پایین‌ترین سطح توسعه انسانی را داراست. همچنین شاخص توسعه انسانی محاسبه شده نشان می‌دهد که استان‌های مذکور از سطح توسعه یافتگی متوسط برخوردار بوده و شاخص توسعه انسانی آنها بین ۰/۵ و ۰/۸ می‌باشد. نتایج همچنین صعودی بودن روند شاخص توسعه انسانی در تمام استان‌ها را نشان می‌دهد. تحلیل شاخص‌های ابعادی شاخص توسعه انسانی نیز نشان می‌دهد که شاخص آموزش در استان‌های مورد مطالعه، در مقایسه با دو شاخص دیگر، سطح پایینی داشته و توجه بیشتری را می‌طلبد. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد که:

- شاخص توسعه انسانی محاسبه شده در استان‌های مرزی در مقایسه با شاخص توسعه انسانی کشور پایین بوده و مرزی بودن استان‌ها بر توسعه انسانی آنها تاثیر منفی دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد تا در زمینه آموزش (گسترش مدارس و تشویق ساکنان به امر یادگیری)، بهداشت (احداث بیمارستان‌ها و تجهیز آنها، کنترل جمعیت و غیره) و ارتقای سطح درآمد و بهبود فضای کسب و کار، سیاست‌های مناسب و کارآتری اجرا گردد.
- براساس نتایج تحقیق، شاخص آموزش در مقایسه با دو شاخص دیگر سطح پایین‌تری دارد. از این رو، در

کارخانجات متعدد تولیدی برای ایجاد اشتغال، اختصاص درصدی از درآمد گمرکی به مرزنشینان در قالب حمایت از فعالیت‌های تولیدی می‌تواند تا حدود زیادی موثر باشد.

- براساس نتایج تحقیق، پایین بودن شاخص بهداشت در استان‌های مرزی نیز بسیار مشهود می‌باشد. از این رو، اتخاذ سیاست‌های مناسبی همچون احداث بیمارستان‌های پیشرفته و تجهیز آن، تشویق نیروهای پزشکی متخصص برای حضور در مناطق مرزی، پرورش نیروهای متخصص از بین مرزنشینان و ارتقای بودجه سلامت استان‌های مرزی در بودجه کل کشور در مقایسه با سایر استان‌ها می‌تواند در بهبود شاخص بهداشتی استان‌های مرزی کمک شایانی داشته باشد.

تدوین استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی برای استان‌های مذکور، بایستی وزن بیشتری به بحث آموزش اختصاص داده شود. گسترش آموزش‌های ابتدایی، احداث مدارس در روستاها و گسترش فرهنگ سوادآموزی و استخدام معلمان برای مناطق روستایی و دورافتاده در این استان‌ها تا حدود زیادی می‌تواند سطح آموزشی آن‌ها را ارتقا دهد.

- پایین بودن درآمد سرانه نیز یکی دیگر از عوامل مهم پایین بودن سطح توسعه انسانی در این استان‌هاست. برای بهبود وضعیت درآمدی در استان‌های مرزی، سیاست‌هایی از قبیل احداث صنایع تبدیلی و صنایع سنگین، توجه جدی به وضعیت معیشتی ساکنین، گسترش بازارچه‌های مرزی، راه‌اندازی صنایع و

پانوش

- 1-United Nations Development Programe (UNDP)
- 2-Unitary
- 3-Physical Quality of Life Index (PQOL)
- 4-Population crisis committee
- 5-International Human Suffering Index (IHSI)
- 6-Ul Haq
- 7-Mean years of schooling

- 8-Expected years of schooling
- 9-Per Capita Gross National Income
- 10-Rethinking Human Development
- 11-United Nation Development Program (UNDP)
- 12-Enlarge Choices
- 13-Human Development Index

منابع و مأخذ

- سرور، ر.، محمدی حمیدی، س. و ویسیان، م.، ۱۳۹۳. بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی)، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال دوم، شماره ۷، ص ۲۵-۵۴.
- کلانتری دهقی، ل.، ۱۳۹۰. شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران با تاکید بر برنامه چهارم توسعه کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
- متوسلی، م. و جلالی نایینی، س.، ۱۳۹۰. تحلیل نهادی بازار بیمه زندگی کشور: با استفاده از مدل چهار سطحی ویلیامسون، پژوهشنامه بیمه، شماره (۳) ۱۰۳، ص ۵۱-۷۷.
- محمدعلیخانی، س.، آصف زاده، س.، محبی فر، ر. و منتظری، ع.، ۱۳۹۱. بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI)

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، داده‌های سری زمانی. www.cbi.ir.
- حاتمی نژاد، ح.، ابوبکری، ط.، احمدی، ا. و نایب زاده، ف.، ۱۳۹۰. سنجش درجه توسعه‌یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی)، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۶، ص ۱-۱۸.
- زنگنه، م.، ۱۳۹۵. ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سوم، شماره ۱، ص ۱۴۹-۱۶۰.
- زبینه، ع. و فیض بخش، س.، ۱۳۹۳. جایگاه شاخص توسعه انسانی شهرهای مرزی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ (مطالعه موردی: استان گیلان)، دوره ۲، شماره ۳، ص ۲۹-۶۲.

- میرزاخانی، ب. و برندک، ف.، ۱۳۹۳. سطح‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، شماره ۳(۱۵)، ص ۷۹-۹۰.
- نظم فر، ح. و علی بخشی، ا.، ۱۳۹۲. سنجش میزان برخورداری شهرستان‌های استان خوزستان از شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک ادغام، مجله آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۴(۱۴)، ص ۱۵۱-۱۷۸.
- نیسی، ع.، ۱۳۸۹. شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران، نشریه علوم بهداشتی جندی شاپور، دوره ۲، شماره ۲، ص ۵۵-۶۲.
- در ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه پیش، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۴۱۵-۴۲۳.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور.
- مرکز آمار ایران، پایگاه اطلاعات نشریات مرکز آمار ایران، برآورد امید به زندگی در بدو تولد به تفکیک جنس، ۱۳۳۵-۱۴۰۰.
- مرکز آمار ایران، پایگاه اطلاعات نشریات مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر.

- Anand, S. and Sen, A., 1995. Gender inequality in human development: Theories and measurements, Human development report office, New York, Undp. Occasional paper, No. 19.
- Bhatia, V. K. and RAI, S.C., 2004. Evaluation of socio-economic development in small, Areas, New Dehli.
- Elizabeth, A.S., 2007. Introduction The human development index: The history, working paper series, Tufts University, No. 27.
- Grown, C., Elson, D. and Cagatay, N., 2000. World Development, v. 28, p. 45-56.
- Hicks, D.A., 1997. The Inequality-Adjusted Human Development Index, -World Development, v. 25(8), p. 1283-1298.
- Mazumdar, K., 2003. A New Approach to the Human Development Index, Review of Social Economics, v. 61(4), p. 535-549.
- Morris, D., 1979. Measuring the World's Poor: The Physical Quality of Life Index, Pergamon Press, New York.
- Nordhaus, W.D. and Tobin, J., 1973. Is Growth Obsolete? The Measurement of Economic and Social Performance, Studies in Income and Wealth, v. 38, National Bureau of Economic Research.
- Nourry, M., 2008. Measuring Sustainable Development: Some Empirical Evidence Ecological Economics, v. 67, p. 441-456.
- Qizilbash, M., 2002. On the measurement of human development, School of economic and social studies, Norwich, NR47TJ.
- Stewart, F. and Deneulin, S., 2002. Amartya Sen's contribution to development thinking, Studies in Comparative International Development, v. 37(2), p. 61-70.
- Ul Haq, M., 1999. Reflections on Human Development, Oxford University Press, Delhi.
- UNDP Human development report, <http://hdr.undp.org/en/>.
- World Bank, 2016. World development indicators (WDI).